Received: 2025/12/6
Accepted: 2026/5/23
from 219 to 244

Zahra KhaniZareh
M.A. Student in Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran.
zahra.khanizar@imamreza.ac.ir

Nematollah Firoozi
Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)
firoozi@imamreza.ac.ir

Semantic Analysis of "Laʿallaka Bākhiʿun Nafsaka" in Portraying the Style of "Emotional Leadership"

Abstract

Using an analytical-comparative method and relying on authoritative Shi'a and Sunni exegetical sources, this study analyzes the verse "Laʿallaka bākhiʿun nafsaka" (Q. 18:6) as a basis for describing the style of "emotional leadership" in the conduct (sīrah) of the Prophet (PBUH). A semantic analysis of the verse's key terms shows how deeply the Prophet felt responsible for guiding his community and how much existential concern he carried for it. These terms are "laʿalla" (poised between hope and negation), "bākhiʿ" (destroying oneself through grief), and "nafsaka" (your life and being). The findings identify four main views among Shi'a and Sunni exegetes. The first reads the verse as divine reproach (ʿitāb) of the Prophet (PBUH) for his intense worry over people's guidance. The second sees it as an expression of his compassion and tenderness, an inherent trait of divine leaders. The third takes it as God's consolation, meant to ease his grief. The fourth stresses his seriousness in delivering the message despite opposition. The study criticizes the reproach view and combines the other three into a systematic model, the "Prophetic Emotional Leadership Cycle." Its stages are "deep compassion," "jihad-oriented action and perseverance," "heavy emotional pressure," and "divine consolation and reinforcement." The study's main contribution is an integrated reading of the verse. It presents the Prophet's (PBUH) emotional leadership as an existential reality and a reflection of "Mercy to the Worlds" (Raḥmatan lil-ʿĀlamīn), rather than a managerial technique. This emotion operates within divine mission and rationality, which separates it from plain sentimentality. By filling a gap between Qur'anic studies and management studies, the research gives contemporary leaders a practical, pathology-oriented model for managing emotions intelligently and avoiding the problems they cause. The model can be adapted to institutions and tested empirically.

Keywords:
Emotional Leadership, Prophet's Sīrah, Bākhiʿun Nafsaka, Semantics, Islamic Management

تحلیل معنایی «لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک» در ترسیم سبک «رهبری عاطفی»

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۲
از صفحه ۲۱۹ تا صفحه ۲۴۴

زهرا خانی زارع
دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، مشهد، ایران.
zahra.khanizar@imamreza.ac.ir

نعمت‌الله فیروزی
استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)
firoozi@imamreza.ac.ir

چکیده

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیلی-تطبیقی و با اتکا به منابع معتبر تفسیری فریقین، به تحلیل آیه‌ی «**لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک**» (کهف: ۶)، به‌عنوان محوری برای ترسیم سبک «رهبری عاطفی» در سیره‌ی پیامبر اکرم(ص) می‌پردازد. تحلیل معناشناختی واژگان کلیدی آیه ازجمله «لَعَلَّ» (در تقابل میان امید و انکار)، «بَاخِعٌ» (به معنای هلاکت از غم) و «نَفْسَک» (به مفهوم جان و وجود)، عمق مسئولیت‌پذیری و عاطفه‌ی وجودی پیامبر(ص) در قبال هدایت امت را آشکار می‌سازد. یافته‌ها نشان می‌دهد، پیرامون آیه‌ی شریفه، چهار دیدگاه اصلی در میان مفسران شیعه و سنی مطرح است: عتاب الهی به پیامبر(ص) به علت نگرانی شدید ایشان برای هدایت مردم؛ تجلی دلسوزی و شفقت پیامبر(ص) به‌عنوان ویژگی ذاتی رهبران الهی؛ تسلی خاطر پیامبر(ص) از سوی خداوند برای کاهش اندوه ایشان؛ تأکید بر جدیت پیامبر(ص) در ابلاغ رسالت، علی‌رغم مقاومت مخالفان. این پژوهش با نقد دیدگاه عتاب و تلفیق سازنده‌ی سه دیدگاه دیگر، به ارائه‌ی الگویی نظام‌مند با عنوان «چرخه‌ی رهبری عاطفی نبوی» پرداخته است که شامل مراحل «دلسوزی عمیق»، «عمل جهادی و استقامت»، «فشار عاطفی سنگین» و «تسلی و تقویت الهی» است. نوآوری اساسی پژوهش در ارائه‌ی خوانشی یکپارچه از آیه است که رهبری عاطفی پیامبر(ص) را فراتر از یک تکنیک مدیریتی، به‌مثابه حقیقتی وجودی و بازتاب «رحمت للعالمین» معرفی می‌کند؛ عاطفه‌ای که در چارچوب مأموریت الهی و عقلانیت قرار می‌گیرد و از احساس‌گرایی صرف متمایز می‌شود. پژوهش با پر کردن خلأ مطالعات قرآنی و مدیریتی، الگویی کاربردی و آسیب‌شناسانه برای رهبران معاصر برای مدیریت هوشمندانه‌ی عواطف و جلوگیری از چالش‌های آن ارائه می‌کند که ظرفیت تطبیق در نهادها و نیز آزمون‌های تجربی را دارد.

واژگان کلیدی:
رهبری عاطفی، سیره‌ی پیامبر(ص)، بَاخِعٌ نَفْسَک، معناشناسی، مدیریت اسلامی.

۱- بیان مسئله

در ادبیات معاصر، الگوی رهبری عاطفی[1] عموماً بر چارچوب‌های سکولار و روان‌شناختیِ برآمده از مکاتب غربی استوار شده است و عاطفه را در نسبت با انگیزش و عملکرد سازمانی تعریف می‌کنند (گلمن، ۱۹۹۸، ص ۱۷-۲۴؛ النقبی، ۲۰۲۴). اگرچه این الگوها بر مؤلفه‌هایی چون همدلی، هوش هیجانی و تأثیرگذاری عاطفی تأکید دارند، غالباً بدون عمق وجودشناختی و نگرش یکپارچه به رابطه‌ی رهبر و پیرو در افق قدسی هستند. در مقابل، در منظومه‌ی معرفتی اسلام، عاطفه‌ی اصیل تجلی رحمت الهی است و رهبری پیامبر به‌عنوان «**رحمةً للعالمین**» (انبیا: ۱۰۷)، نمونه‌ی اعلای رهبری رحمانی است که محور تحول وجودی انسان‌ها و رشد اخلاقی و معنوی امت به‌شمار می‌آید (رحیم‌پور، ۱۳۹۷، ص ۱۶؛ غضنفری و زارعی، ۱۳۹۴، ص ۶۱).

این شکاف نظری ضرورت بازخوانی و بازتأسیس مفهوم رهبری عاطفی از مجرای متون دینی و سیره‌ی معصومان(ع) را آشکار می‌سازد. در این میان، آیه‌ی شریفه‌ی «**لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک**» (کهف: ۶)، به‌عنوان گزاره‌ای کلیدی، نقطه‌ی کانونی برای این بازخوانی به‌شمار می‌رود. پژوهش در پی آن است تا با عبور از توصیف‌های پراکنده از سیره‌ی نبوی، به تحلیل معناشناختی و سیاقی آیه‌ی یادشده بپردازد و با واکاوی دیدگاه‌های مفسران فریقین، مؤلفه‌های «رهبری عاطفی اصیل» را در تقابل با چالش‌های نظریِ پیشِ روی الگوهای رایج، ازجمله خطر عاطفه‌زدگی، سوءاستفاده‌ی هیجانی و نادیده گرفتن عدالت بکاود. بر اساس این، آیه‌ی شریفه با ترسیم اوج دغدغه‌مندی و مسئولیت‌پذیری عاطفی پیامبر رحمت(ص) تا سرحد ایثار جان، پرسشی بنیادین را پیش روی مخاطبان می‌نهد: «چگونه می‌توان بر اساس تحلیل آیه‌ی «**لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک**»، الگویی نظام‌مند از رهبری عاطفی نبوی ارائه داد؟»

۲- پیشینه‌ی پژوهش

پیشینه‌ی پژوهش حاضر نشان می‌دهد، اگرچه مطالعات متعددی در حوزه‌ی سیره‌ی اجتماعی و اخلاقی پیامبر اکرم(ص) انجام‌شده است؛ اما اثر مستقلی نسبت به تحلیل آیه‌ی «لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک» از دیدگاه رهبری عاطفی وجود ندارد؛ برای نمونه، پژوهش «سیره‌ی اخلاقی و اجتماعی پیامبر(ص)» تألیف جلالی و همکاران (۱۴۰۳)، کتاب پیامبر مهربانی(ص) اثر قاسمی (۱۳۸۹) و کتاب سیره‌ی تربیتی پیامبر و اهل‌بیت(ع) اثر حسینی‌زاده (۱۳۹۲)، به بررسی جنبه‌های مختلف منش و رفتار پیامبر(ص) پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌یک به استخراج الگوی رهبری عاطفی از این آیه‌ی خاص نپرداخته‌اند. در مطالعه‌ای با عنوان «واکاوی مفهوم لَعَلَّک باخِعٌ نَفْسَک در قرآن کریم» اثر زهرا صرفی و همکاران (۱۳۹۶)، این آیه به‌صورت مستقل بررسی شده است؛ اما رویکرد آن معطوف به معناشناسی و تفسیر است و پیوندی با مفهوم رهبری عاطفی در مدیریت معاصر برقرار نکرده است.

در حوزه‌ی رهبری مبتنی بر سیره‌ی نبوی نیز، پژوهش‌هایی همچون «طراحی الگوی رهبری

1- Emotional Leadership

اثربخش سازمانی به استناد سیره‌ی پیامبر اسلام(ص)» از افجه‌ای و همکاران (۱۳۹۴) و نیز مطالعاتی درباره‌ی «سبک رهبری رهبران اسلامی در آثار شهید مطهری» از رضایی‌زاده (۱۳۷۶)، صورت گرفته است؛ همچنین پژوهشی با عنوان «مفهوم‌سازی رهبری پیامبر(ص): ویژگی‌های رفتاری و کاربرد سبک رهبری حضرت محمد(ص) در عصر حاضر»، به بررسی الگوهای رهبری پرداخته است. بااین‌حال، هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به‌صورت ویژه به تحلیل آیه‌ی شریفه به‌عنوان محور اصلی استخراج مؤلفه‌های رهبری عاطفی نپرداخته‌اند؛ بنابراین، خلأ پژوهشی یادشده در تلفیق این مفهوم قرآنی با نظریه‌های نوین رهبری احساس می‌شود.

بدین ترتیب، نوآوری و تمایز اصلی پژوهش حاضر در نگاه چندبعدی و تطبیقی آن به جریان رهبری عاطفی پیامبر رحمت(ص) است که از رهگذر تحلیل معناشناختی و تلفیق آن با چارچوب‌های نظری مدرن در حوزه‌ی رهبری عاطفی و تحول‌آفرین، الگویی نظام‌مند و کاربردی برای مدیریت معاصر ارائه می‌دهد.

۳- مفهوم‌شناسی

درمجموع، «لعل» و مشتقات آن ۱۲۹ بار ازجمله در قالب «**فَلَعَّلَکَ**» (هود: ۱۲؛ کهف: ۶)، «**لَعَّلَکَ**» (طه: ۱۳۰؛ شعراء: ۳)، «**لَعَّلَکُم**» (۶۸ بار)، «**لَعَّلَهُ**» (طه: ۴۴؛ انبیاء: ۱۱۱؛ عبس: ۳)، «**لَعَلِّی**» (یوسف: ۴۶؛ طه: ۱۰؛ مومنون: ۱۰۰؛ قصص: ۲۹ و ۳۸؛ غافر: ۳۶) ذکرشده است؛ همچنین «باخِعٌ» جمعاً ۲ بار (شعرا: ۳؛ کهف: ۶) و «**نفس**» در کل ۲۹۸ بار در قرآن کریم آمده است.

۳-۱- «لَعَّلَ»: واژه‌ی «لَعَلَّ» در زبان عربی از حروف مشبهة بالفعل است و در معانی چشم‌داشت، امید، شاید و انتظار به‌کار می‌رود. جوهری در صحاح اللغه می‌گوید: «لَعَلَّ کلمه‌ای برای شک است و اصل آن عَلَّ است و لام در اول آن زائد است» (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۸۱۵). وی برای اثبات این مطلب به شعر مجنون بنی‌عامر استشهاد می‌کند: «یقول اُناسٌ عَلَّ مجنونَ عامرٍ یَرومُ سُلُوّاً قلتُ إنی لِما بیا» (مردم می‌گویند: شاید مجنون عامر خواهان فراموشی است؛ گفتم: من به خاطر آنچه دارم چنین خواهم کرد). صاحب قاموس المحیط «لعل» را به معنای طمع و ترس نیز دانسته است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۱۳). ابن‌اثیر در النهایه می‌گوید: «لَعَلَّ در حدیث بسیار تکرار شده است و آن کلمه‌ای برای رجا و طمع و شک است و در قرآن به معنای «کی» (تا اینکه) نیز آمده است» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۶۰۷). قرشی نیز سه وجه برای این واژه بیان می‌کند: ۱. تعلیل (بیان دلیل)؛ ۲. امید و توقع گوینده برای اطماع و امیدوار کردن مخاطب؛ ۳. امید مقامی، نه متکلمی که قول سوم را برمی‌گزیند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۹۳). از سویی، ابن‌عاشور معتقد است، کلمه‌ی «لعل» در حقیقت به معنای ایجاد امید و توقع است؛ اما در برخی آیات به‌صورت مجازی برای انکار و هشدار به‌کاررفته است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۱۵). درمجموع، «لعل» ازجمله واژگانی است که بسته به بافت کلام و گوینده، معانی متفاوتی از شک و امید تا قطعیت و تعلیل را در برمی‌گیرد.

۳-۲- «باخع»: «البَخْع» یعنی خود را با غم و اندوه تلف کردن که نوعی ترغیب و تشویق بر

تأسّف نخوردن و ترک حزن و اندوه است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۹۶). البته صاحب لسان العرب معتقد است که به معنای کشتن از روی عصبانیت یا اندوه است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۵). برخی نیز بر این باورند که «بخع» یعنی کُشتن و آنچه به آن نزدیک است؛ مانند خوار کردن و غلبه کردن (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۲۳).

۳-۳- «نفس»: ریشه‌ی «ن ف س» در زبان عربی بر معنای بنیادین «خروج نسیم و جریان هوا» دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۶۰) که در شبکه‌ی معنایی گسترده‌ای از مفاهیم مرتبط با زندگی، حرکت و ارزش تجلی‌یافته است. لغویان «نفس» را به معنای جان و روح دانسته‌اند که مایه‌ی حیات بدن است (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹۸۴) و نیز برای بیان کلیت و واقعیت یک چیز و تأکید بر آن به‌کار می‌رود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۱۲). برخی نیز نفس را به خون معنا کرده‌اند (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۶۶۸۵)؛ زیرا با خروج خون، جان نیز خارج می‌شود (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۶۰). از همین ریشه، «تَنَفَّسَ» به معنای دم زدن و «نَفَس» واحد «أنفاس» به معنای دم‌هاست (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹۸۴). مفهوم گشایش و وسعت نیز از این ریشه گرفته شده است، چنان‌که «نَفَّسَ اللّهُ عنهُ کُربَتَهُ» به معنای برطرف شدن اندوه است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۶۰). در قرآن کریم، نفس در معانی متعددی ازجمله روح، ذات و شخص، تمایلات نفسانی، قلوب و باطن و بشر اولی به‌کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۹۵). در یک جمع‌بندی، هسته‌ی مرکزی این ریشه بر «خروج و جریان» دلالت دارد که در مفاهیمی چون روح (پایان زندگی با خروج آن)، تنفس (جریان مداوم هوا)، خون (خروج آن همراه با جان)، گشایش (رهایی و راحتی همچون نفس)، ارزشمندی (گران‌بهایی همچون جان) و نفوذ (تأثیر چشم‌زخم) تجلی یافته است.

۴- رهبری عاطفی

به سبکی از مدیریت اطلاق می‌شود که در آن، رهبر با بهره‌گیری از هوش عاطفی، به تنظیم و هدایت احساسات خود و پیروان می‌پردازد. این سبک بر پایه‌ی مؤلفه‌هایی همچون همدلی، مهربانی، مسئولیت‌پذیری عاطفی و توانایی ایجاد ارتباط عمیق با افراد استوار است (باورز و همکاران، ۲۰۱۷). در متون اسلامی، این مفهوم با واژه‌هایی چون «رأفت»، «رحمة للعالمین» و «لین القلب» پیوند خورده و در سیره‌ی پیامبر اکرم(ص) به‌صورت عینی تجلی یافته است.

در ادبیات مدیریت، رهبری عاطفی زیرمجموعه‌ای از رهبری تحول‌آفرین[1] به‌شمار می‌رود که بر ایجاد تغییر از طریق تأثیرگذاری بر عواطف و ارزش‌های افراد تأکید دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، سازمان‌هایی که رهبران آنان هوش عاطفی بالایی دارند، از سطح اعتماد، خلاقیت و رضایت شغلی بیشتری در میان کارکنان برخوردارند (مایندگویا و همکاران، ۲۰۲۱). در قرآن کریم نیز، آیاتی چون «**فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ**» (آل‌عمران: ۱۵۹) به این اصل اشاره دارد که نرم‌خویی و عطوفت پیامبر(ص) عامل انسجام اجتماعی و جذب قلوب مردم بوده است. رهبری عاطفی در سیره‌ی

1- Transformational Leadership

نبوی فراتر از یک فن مدیریتی، به‌عنوان «الگوی الهی-انسانی» تبیین می‌شود. پیامبر(ص) با ترکیب سه عنصر همدردی (نگرانی برای هدایت مردم در آیه‌ی «**لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک**»)، مدارا (رفتار با مخالفان در فتح مکه) و انعطاف‌پذیری (مشورت با اصحاب در جنگ احد) نشان دادند، مدیریت عواطف محور تحول اجتماعی است. این نگاه امروزه در نظریه‌های رهبری خدمتگزار[1] نیز بازتاب یافته است (کیخا، ۱۳۹۶)؛ بنابراین، رهبری عاطفی نه‌تنها یک ضرورت مدیریتی، بلکه بازتابی از رسالت الهی در هدایت بشر به‌سوی تعادل روانی و اجتماعی است.

با وجود اشتراکات ظاهری ادبیات مدیریت و سیره‌ی نبوی، تمایز ماهوی در منبع و غایت آن‌ها نهفته است. در الگوهای روان‌شناختی غربی، عاطفه اغلب به‌مثابه ابزاری برای بهبود عملکرد، افزایش بهره‌وری و تحقق اهداف سازمانی فهمیده می‌شود. در مقابل، عاطفه‌ی نبوی در وجودشناسی الهی ریشه دارد و تجلی صفات رحمت و خداست، به‌گونه‌ای که رهبری عاطفی پیامبر(ص) جلوه‌ای از رسالت رحمت برای جهانیان است، نه فن مدیریتی. این تمایز الگوی نبوی را از احساس‌گرایی صرف یا عاطفه‌سازی ابزاری متمایز می‌سازد و آن را در چارچوبی هدایت‌محور و تعالی‌بخش قرار می‌دهد.

در ارتباط با معناشناسی آیه‌ی شریفه، آیات دیگری نیز وجود دارد که به‌نوعی با مفهوم مدنظر همسو و هم‌جهت هستند که می‌توان این آیات را در چند دسته‌ی کلی جای داد: دسته‌ی اول آیاتی هستند که مستقیماً به تسلیت و حمایت عاطفی از پیامبر(ص) در برابر فشارهای رسالت می‌پردازند؛ مانند آیه‌ی «**لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک أَلَّا یکونُوا مُؤْمِنِینَ**» (شعراء: ۳) که مشابه آیه‌ی مورد بحث، بر مدیریت فشارهای عاطفی رهبر تأکید دارد؛ دسته‌ی دوم آیاتی هستند که به پیشگیری از فرسودگی عاطفی اشاره دارند؛ نظیر «**فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُک عَلَیهِمْ حَسَرَاتٍ**»(فاطر: ۸) که هشداری نسبت به درگیر شدن افراطی در اندوه ناشی از عملکرد دیگران است؛ دسته‌ی سوم آیات مرتبط با تقویت استقامت و پایداری عاطفی در شرایط بحرانی است؛ مانند آیه‌ی «**وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُک إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَیهِمْ**» (نحل: ۱۲۷)؛ در دسته‌ی چهارم آیاتی قرار می‌گیرند که بر نرم‌خویی و تأثیرگذاری عاطفی رهبر دلالت دارند؛ نظیر «**فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ**» (آل‌عمران: ۱۵۹)؛ درنهایت، دسته‌ی پنجم آیاتی مانند «**حَرِیصٌ عَلَیکمْ بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ**» (توبه: ۱۲۸) هستند که بر همدلی عمیق و دلسوزی ذاتی پیامبر(ص) نسبت به امت تأکید می‌کنند. این آیات تصویری جامع از مدیریت عاطفی در سیره‌ی نبوی ارائه می‌دهند که در جدول زیر به‌صورت منظم طبقه‌بندی‌شده است:

۱- Servant Leadership

جدول شماره‌ی ۱. آیات همسو با مفهوم رهبری عاطفی نبوی در قرآن کریم

ردیف	آیه و موضوع	متن آیه (مُونه)	دلالت مدیریتی: رهبری
۱	تسلیت و حمایت عاطفی از رهبر	«لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک أَلَّا یکونُوا مُؤْمِنِینَ» (شعراء: ۳).	مدیریت فشارهای عاطفی رهبر تأکید بر ضرورت حمایت الهی و خودمراقبتی رهبر در برابر بار سنگین مسئولیت
۲	پیشگیری از فرسودگی عاطفی	«فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُک عَلَیهِمْ حَسَرَاتٍ» (فاطر: ۸).	تنظیم عاطفی و حفظ سلامت روانی رهبر هشدار نسبت به درگیر شدن افراطی در اندوه ناشی از عملکرد دیگران
۳	تقویت استقامت و پایداری	«وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُک إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَیهِمْ وَلَا تَک فِی ضَیقٍ مِمَّا یمْکرُونَ» (نحل: ۱۲۷).	مدیریت استقامت عاطفی در شرایط بحران تلفیق صبر توکل‌محور با حفظ آرامش در برابر توطئه‌ها
۴	نرم‌خویی و تأثیرگذاری عاطفی	«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ» (آل‌عمران: ۱۵۹).	رهبری نرم و ارتباط مؤثر نشان دادن نقش مهربانی و نرمش در جذب قلوب و انسجام جمعی
۵	حرص و دلسوزی نسبت به امت	«حَرِیصٌ عَلَیکمْ بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ» (توبه: ۱۲۸).	همدلی عمیق و مسئولیت‌پذیری عاطفی ترسیم الگوی رهبری دلسوز و پیگیر در هدایت پیروان
۶	تعادل عاطفی در برخورد با مخالفان	«ادْفَعْ بِالَّتِی هِی أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَینَک وَبَینَهُ عَدَاوَةٌ کأَنَّهُ وَلِی حَمِیمٌ» (فصلت: ۳۴).	مدیریت تعارض با رویکرد عاطفی مثبت تبدیل خصومت به صمیمیت از طریق رفتار احسن

بررسی سوره‌ها و آیات نشان می‌دهد، پیامبر رحمت(ص) در سال‌های مختلف رسالت (مکه یا مدینه)، این ویژگی خاص را در سبک رهبری خویش داشته‌اند؛ امری که نشان از حقیقت نوع نگاه رهبران الهی به انسان‌ها و تکامل آنان دارد.

۵- تحلیل سیاقی آیه: چارچوب فهم رهبری عاطفی در بستر رسالت

بررسی سیاق سوره‌ی کهف به‌عنوان چهارچوبی کلیدی برای فهم دقیق آیه‌ی «لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک»، امری ضروری است؛ زیرا با محوریت «تصحیح عقیده» و «ایجاد تمایز میان حق و باطل»، فضایی ترسیم می‌کند که در آن، رسالت پیامبر(ص) با دو ساحت «انذار و تبشیر» معرفی شده است. در این میان، آیات ۳ تا ۶ به موضوع پژوهش مرتبط می‌شوند.

۵-۱- تقدم «انذار» بر «تسلی»: سیاق ابتدا به اصل رسالت (انذار) و سپس به مواجهه‌ی عاطفی پیامبر(ص) نسبت به موانع آن می‌پردازد. این توالی نشان می‌دهد، واکنشی طبیعی و برخاسته از

مسئولیت در قبال «انذار» است، نه یک نگرانی شخصی.

۵-۲- رابطه‌ی دیالکتیکی[1] «عاطفه» و «عقیده»: آیه‌ی شریفه در نقطه‌ی تلاقی «عاطفه‌ی عمیق پیامبر» و «تثبیت اصل توحید» قرار دارد. این جایگاه نشان می‌دهد، رهبری عاطفی مستقل از مأموریت اعتقادی نیست، بلکه منبعی برای تحقق آن مأموریت است.

۵-۳- تعیین حدومرز مسئولیت: بلافاصله، آیات ۷ و ۸ سوره با بیان حکمت آفرینش (**إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ...**) و اشاره به عاقبت دنیوی مشرکان، در نقش تسلی‌بخشی و تعیین دایره‌ی مسئولیت ظاهر می‌شوند. آیات تأکید می‌فرماید، او مسئول آزمایش و انتخاب مردم نیست، بلکه مسئولیت او ابلاغ روشن و دلسوزانه‌ی پیام است؛ بنابراین، سیاق خوانش «تسلی خاطر» و «تعیین حدود مسئولیت» (دیدگاه‌های سوم و چهارم) را تقویت می‌کند و خوانش عتاب‌آمیز (دیدگاه اول) را تضعیف می‌نماید.

درنتیجه، سیاق سوره‌ی کهف آیه‌ی «**لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ**» را در چارچوب یک فرایند رهبری الهی تعریف می‌کند که در آن، «همدلی و دلسوزی»، «استقامت در ابلاغ رسالت» و «تسلی و حمایت الهی» در کنار یکدیگر و در تعاملی پویا، سبک رهبری عاطفی پیامبر(ص) را شکل می‌دهند. مبتنی بر سیاق آیات شریفه که دربردارنده‌ی نعمت عظیم الهی، یعنی قرآن کریم است و نیز پیامبر را انذاردهنده معرفی می‌کند، گویا آیه بر آن است که به پیامبر یادآوری نماید، این نوع بی‌توجهی‌ها، تکذیب‌ها و تخطئه‌ها در مقابل یک مأموریت بزرگ الهی، امری طبیعی و قابل پیش‌بینی تلقی می‌شود؛ بنابراین، باید با بزرگ‌منشی از این رفتارهای غیرالهی و غیرانسانی روی بگرداند و به ابلاغ رسالت خود ادامه دهد، البته با این قید که جان خود را به سبب گمراهی و همراهی نکردن لجوجانه و یا معاندانه‌ی عده‌ای به خطر نیندازد. این همان نگاه اجتماعی و تربیتی است که می‌تواند روشنی‌بخش همه‌ی ادامه‌دهندگان راه پیامبر رحمت(ص) باشد.

۶- چالش‌های عاطفی رهبر در آرای تفسیری

مفسران فریقین رویکردهای متفاوتی را در تبیین رابطه‌ی میان عاطفه‌ی پیامبر(ص) و مسئولیت رهبری ایشان ارائه کرده‌اند. این رویکردها عمدتاً در چهار دیدگاه اصلی قابل دسته‌بندی هستند:

۶-۱- عتاب خداوند به پیامبر به سبب هلاک ساختن خود

برخی مفسران بر این باورند، حالت پیامبر اکرم(ص) هنگام روی‌گردانی کفار به فردی تشبیه شده که عزیزترین افراد زندگی‌اش را از دست داده است و غم و حسرتی دارد که از شدت این حزن، جان خودش را هلاک می‌کند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۷۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۰۳). بر اساس این، متضمن نوعی عتاب و تهدید و سرزنش است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۶۹۴). عتاب یادشده به علت

۱- رابطه‌ی دیالکتیکی به تعامل متقابل میان دو عنصر یا مفهوم متضاد اطلاق می‌شود که در فرایندی پیوسته، یکدیگر را تکمیل، تعدیل یا متحول می‌سازند، به‌گونه‌ای که عاطفه‌ی عمیق پیامبر(ص) نه در تقابل با مبانی عقیدتی، بلکه به‌عنوان محرک و مکمل رسالت توحیدی عمل می‌کند.

توجه بسیار فراوان به کسانی است که جز طریق گمراهی و هلاکت نخواهند پیمود؛ بنابراین، شایسته‌ی این حجم از غصه و اندوه نیستند. خداوند متعال به پیامبرش اندرز می‌دهد که از شدت ناراحتی که به‌سبب روی‌گردانی مردم از حق ایجادشده است، خود را هلاک نسازد و دل‌تنگ نباشد؛ زیرا بازگشت و محاسبه‌ی آنان به‌سوی خداوند است و او خود به حسابشان رسیدگی خواهد کرد (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۱۰۲).

یکی از نکات متمایز تفسیری دیدگاه صاحب تفسیر المنیر است که در معناشناسی و کاربرد «لعل»، آن را دال بر سؤال انکاری و دارای معنای نهی می‌داند (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۲۰۵؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۱۶). با این وصف ممکن است، شبهه‌ی تعارض با عصمت ایجاد شود. برخی مفسران در پاسخ اینکه آیا این وضعیتِ احساسی با عصمت پیامبر(ص) سازگار است، می‌گویند که این احساسات نشان‌دهنده‌ی نقص نیست، بلکه نشانه‌ی کمال انسانی است؛ زیرا این امر از یک حس انسانی لطیف نشأت می‌گیرد که ناشی از مسئولیت‌پذیری بالا در برابر دیگران است. بر اساس این، به همان اندازه که خود را نسبت به پیروان مسئول می‌دید، نسبت به کسانی که از او پیروی نمی‌کردند، مانند کافران و منکران نیز، احساس مسئولیت می‌کرد؛ زیرا این نوع افراد به علت وضعیتی که در آن قرار داشتند، بیشتر از دیگران به شفقت نیاز داشتند، وگرنه حتماً در ورطه‌ی کفر و طغیان سقوط می‌کردند (فضل‌الله، ۱۴۳۹، ج ۱۱، ص ۸۲۳). دیدگاه عتاب و سرزنش در ظاهر مبتنی بر دقت در معنای واژه‌ی «لَعَلَّ» به‌عنوان «انکار» و «نهی» است؛ اما با تدبر در سیاق آیات، سیره‌ی قطعی نبوی و دیگر مفاهیم قرآنی، با چالش‌های جدی مواجه می‌شود.

۶-۱-۱- نقد اول: تعارض با گفتمان «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»

قرآن کریم به‌صراحت پیامبر اکرم(ص) را «**رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ**» (انبیاء: ۱۰۷) معرفی می‌کند. این صفت محور و جوهره‌ی اصلی شخصیت و رسالت ایشان است. حال چگونه می‌توان باور کرد که تجلی عینی این رحمت جهانی- که همانا همدردی و سوز درونی برای نجات بشر است- مورد عتاب و سرزنش قرار گیرد؟ این نگرانی پیامبر(ص) دقیقاً همان عاملی است که باعث می‌شود ایشان تا پای جان، برای هدایت مردم استقامت کنند. در حقیقت، عتاب کردن این ویژگی عتاب کردن خود «رحمت» است. آیا می‌توان پزشکی را سرزنش کرد که از شدت دلسوزی برای نجات بیمارش بی‌تاب شده است؟ یا بالعکس، این رفتار نشان از اوج تعهد و انسانیت او دارد؟ رهبری عاطفی پیامبر(ص) بر پایه‌ی همین دلسوزی بنا نهاده شده است و عتاب آن اساس این سبک رهبری را متزلزل می‌سازد.

۶-۱-۲- نقد دوم: نادیده گرفتن سیاق قرآنی

سیاق آیات پیش و پس از آیه‌ی مورد بحث، نه فضای عتاب که «فضای تسلی و دلجویی» است. خداوند در آیات پیشین به پیامبر(ص) می‌فرماید، گفتار مشرکان (**اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا**) بی‌اساس است (آیه‌ی ۵)؛ سپس در آیه‌ی ششم، با عبارت «**فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ**» خطاب می‌کند و بلافاصله

در آیه‌ی بعد می‌فرماید: «**إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا**» (کهف: ۷). این توالی به‌وضوح نشان می‌دهد، خداوند با نشان دادن حکمت خلقت و آزمایش انسان‌ها، در پی آرامش بخشیدن به دل نگران پیامبرش است، نه سرزنش او. این سیاق بیشتر شبیه به پدری دلسوز است که به فرزند غمگین و دلسوز خود دلداری می‌دهد، نه اینکه او را به علت دلسوزی‌اش توبیخ کند.

۶-۱-۳- نقد سوم: تقلیل معنای «لَعَلَّ» به یک معنا

این دیدگاه معنای «لَعَلَّ» را به «انکار» یا «نهی» تقلیل می‌دهد، درحالی‌که این حرف در این آیه می‌تواند حاوی معنای «ترحم» و «ابراز شفقت» باشد. خداوند با این بیان، عمق نگرانی پیامبر(ص) را به زیباترین شکل تصدیق و سپس برای کاهش آن تلاش می‌کند. این استفاده از «لَعَلَّ» نشان‌دهنده‌ی همدلی خداوند با احساسات پیامبرش است، نه انکار آن احساسات؛ مانند هنگامی‌که به فردی که سخت در غم از دست دادن عزیزی است، می‌گوییم: «مبادا از شدت غم، خودت را نابود کنی.» این جمله نه یک سرزنش که فریادی از روی دلسوزی و هشدار محبت‌آمیز است.

۶-۱-۴- نقد چهارم: خدشه در الگوی بی‌بدیل رهبری عاطفی

اگر این آیه را عتاب بدانیم، این پیام نادرست را القا می‌کند که رهبران باید مرزهایی برای عواطف خود قائل شوند و از «کثرت» در نگرانی بپرهیزند، درحالی‌که سیره‌ی پیامبر(ص) خلاف این را ثابت می‌کند. رهبری عاطفی بر پایه‌ی همدلی عمیق و مسئولیت‌پذیری فراتر از حد معمول است. با توجه به نقدهای بالا، آنچه در این دیدگاه به‌عنوان «عتاب» مطرح‌شده، در صورت صحت، نه از نوع عتاب قهری و خشمگینانه، بلکه از جنس «عتاب مُشفقانه» یا هشدار دلسوزانه است که خود تجلی محبت و دغدغه‌ی الهی برای حفظ پیامبر(ص) از فشارهای عاطفی فراوان است؛ بنابراین، حتی اگر تعبیر «عتاب» را بپذیریم، ماهیت آن با رحمت الهی و عصمت نبوی در تضاد نیست، بلکه جلوه‌ای از همان رحمت است.

۶-۲- معرفی رهبران الهی به‌عنوان دلسوزان حقیقی مردم

ازجمله ویژگی‌های رهبران الهی، ایمان و باور به رسالت خویش است؛ به بیان دیگر، رهبران الهی به آنچه می‌گویند و به گامی که برمی‌دارند، با تمام وجود مؤمن و معتقد هستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۶۳). در میان فضائل اخلاقی متعدد پیامبر رحمت(ص)، اهتمام وافر و تلاش بی‌وقفه‌ی ایشان برای هدایت جامعه، بیش از سایر موارد، در قرآن کریم تأکید شده است. برخی مفسران معتقدند، «أسف» در آیه‌ی یادشده، مرتبه‌ای فراتر از اندوه است و تعبیر «فَلَعَلَّک باخِعٌ نَفْسَک عَلی آثارِهِمْ» اوج دلسوزی پیامبر را نشان می‌دهد. دلسوزی و تأسّف بر گمراهی دیگران یک ارزش است و پیامبر دلسوزترین افراد بشر است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۴۱).

ازاین‌رو، با توجه به اینکه در آیات پیشین سخن از رسالت و رهبری پیامبر(ص) بود، در نخستین

آیه‌ی مورد بحث، به یکی از مهم‌ترین شرایط رهبری اشاره‌شده است که همان دلسوزی و شفقت نسبت به امت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۴۹)؛ بنابراین، در این تفسیر، اشاره و تأکیدی خاص به موضوع دلسوزی فوق‌العاده‌ی رهبران الهی حتی نسبت به مخالفان دارد و اگر چنین نباشد، رهبری در مفهوم عمیق آن پیاده نخواهد شد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۱۹۰). برخی ایمان نیاوردن به ولایت حضرت علی(ع) را علت و مصداق تمام و کمال غم و اندوه وارده دانسته‌اند (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۵۹).

دیدگاه دوم که بر «دلسوزی به‌عنوان ویژگی ذاتی رهبران الهی» تأکید دارد، خوانشی عمیق‌تر، همدلانه‌تر و همسو با کلیت گفتمان قرآن و سیره‌ی نبوی است. این نگاه نه‌تنها آیه را از قالب یک عتاب احتمالی خارج می‌کند، بلکه پایه‌های نظریه‌ی «رهبری عاطفی» را در سیره‌ی نبوی به شکلی استوار بنا می‌نهد. این محورها عبارت است از:

۶-۲-۱- همخوانی کامل با مفهوم «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»: این دیدگاه نشان می‌دهد، دلسوزی پیامبر(ص) تجلی عینی و عملی همان رحمت جهانی است که قرآن برای ایشان برمی‌شمارد. بر اساس این، رهبری عاطفی را از یک «سبک مدیریتی» قابل یادگیری به یک «صفت ذاتی» و «حقیقت وجودی» رهبران الهی ارتقا می‌دهد. این نکته تمایز اصلی الگوی نبوی با دیگر مکاتب رهبری است.

۶-۲-۲- ایجاد پیوند مستقیم با آیه‌ی «حَرِيصٌ عَلَيكم»: تعبیر «حَرِيصٌ عَلَيكم» (توبه: ۱۲۸) بر «حرص» و «علاقه‌ی شدید» پیامبر(ص) بر هدایت مردم دلالت دارد. آیه‌ی «لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک» را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ی اعلای عینی و عملی همین «حرص مقدس» دانست.

۶-۲-۳- بررسی تطبیقی با سایر پیامبران: این دلسوزی مختص پیامبر اسلام(ص) نیست و از ویژگی‌های ذاتی همه‌ی رهبران الهی است؛ برای مثال، اندوه و درخواست بخشش حضرت نوح(ع) برای قومش (نوح: ۲۸) و دلسوزی و شکیبایی حضرت موسی(ع) «ذاتی بودن» این ویژگی برای اولیای الهی را تقویت می‌کند.

۶-۲-۴- دغدغه‌ی تحقق کامل رسالت: استناد روایی برخی مفسران مبتنی بر بیان مصداق اتم این حسرت و دلسوزی است که علاوه بر ایمان نیاوردن عمومی، در «نپذیرفتن کامل رسالت و جانشینی منصوص» دانسته‌اند که خود عالی‌ترین سطح از هدایت است. این نگاه وسعت و عمق دلسوزی پیامبر(ص) را برای تحقق کامل و بدون خدشه‌ی رسالت الهی نشان می‌دهد.

بر اساس این، دیدگاه دوم آیه را از حالت انفعالی و سرزنش‌آمیز (در دیدگاه اول) خارج می‌کند و به آن نقش فعال و الهام‌بخش می‌دهد؛ زیرا پیامبر(ص) را رهبری معرفی می‌نماید که موفقیتش در گرو دل‌بستگی عمیق عاطفی به مردم است.

۶-۳- تسلی خاطر پیامبر(ص)

دیدگاه دیگر درباره‌ی تسلی خاطر پیامبر رحمت(ص) است. مفسران معتقدند، با وجود استدلال‌های فراوان و روشنگری‌های متعدد قرآن، مشرکان مکه همچنان بر عقاید خود پافشاری

می‌کردنـد و از پذیـرش حقیقـت سربـاز می‌زدنـد. ایـن امـر پیامـبر اسـلام(ص) را به‌شـدت آزار مـی‌داد (جعفـری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۶۳؛ حسـینی همدانـی،۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۲۳۶؛ ابوالفتـوح رازی،۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۳۱۰؛ بروجـردی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۷۶). همسـو بـا آن، علامـه طباطبایـی(ره) ذیـل آیـه‌ی شریفـه‌ی «**فَلَعَلَّـکَ باخِـعٌ نَفْسَـکَ عَلـی آثارِهِـمْ إِنْ لَـمْ یؤْمِنُـوا بِهـذَا اَلْحَدِیـثِ أَسَـفاً**» معتقـد اسـت، ایـن آیـه و دو آیـه‌ی پـس از آن در مقـام خرسـندی و تسـلی خاطـر رسـول خـدا(ص) اسـت و حـرف «فـاء» کـه بـر سر آیـه آمـده، بـرای تفریـع کلام بـر کفـر و انـکار بـه آیـات خداسـت کـه از آیـات قبلـی اسـتفاده می‌شـد (طباطبایـی،۱۳۵۲، ج ۱۳، ص ۲۴۰؛ جـوادی آملـی، ۱۳۹۶، ج ۵۱، ص ۸۹-۹۳؛ سـید قطـب، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۲۶۰؛ صابونـی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۶۹).

برخـی مفـسران نیـز مبتنـی بـر سـخنان ناشایسـت کفـار معتقدنـد، خـدای متعـال خـود بینـا و آگاه اسـت و مجـازات و مکافـات همـه‌ی آنـان بـه گونـه‌ی شایسـته‌ای محقـق خواهـد شـد؛ بنابرایـن، ایـن امـر بـرای تسـلی خاطـر پیامـبر(ص) اسـت تـا از اصرار آنـان بـر کفـر بیش‌ازحـد اندوهگیـن و آزرده‌خاطـر نشـوند (حـوی، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۳۱۵۲؛ ثقفـی تهرانـی، بی‌تـا، ج ۳، ص ۴۰۳؛ قرشـی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۱۷۶؛ فخـر رازی،۱۴۲۰ ق، ج ۲۱، ص ۴۲۶).

دیـدگاه سـوم بـا اسـتناد بـه مفـسران بزرگـی ماننـد علامـه طباطبایـی(ره)، آیـه را در چارچوبـی کامـلاً همدلانـه و حمایتـی قـرار می‌دهـد. ایـن نـگاه نه‌تنهـا تعارضـی بـا دلسـوزی پیامـبر(ص) (دیـدگاه دوم) نـدارد، بلکـه آن را تکمیـل و تأییـد می‌کنـد. ایـن دیـدگاه نشـان می‌دهـد، رهـبری عاطفـی رابطـه‌ای دوسـویه اسـت کـه در آن، رهـبر از سـوی مبـدأ متعالـی خـود نیـز تأییـد و تقویـت عاطفـی می‌شـود. ایـن نـگاه از چنـد زاویـه تأکیـد می‌گـردد؛ ازجملـه:

۶-۳-۱- تأکیـد بـر «سـیاق تسـلی» بـه جـای «سـیاق عتابـی»: ایـن اسـتدلال را می‌تـوان بـا اشـاره بـه آیـات مشـابه دیگـر، ماننـد «وَلَقَـدْ نَعْلَـمُ أَنَّـک یضِیـقُ صَـدْرُک بِمَـا یقُولُـونَ» (حجـر: ۹۷) تقویـت کـرد کـه صراحتـاً بـه تنگناهـای عاطفـی پیامـبر(ص) و نیـز دلـداری ایشـان اشـاره می‌کنـد.

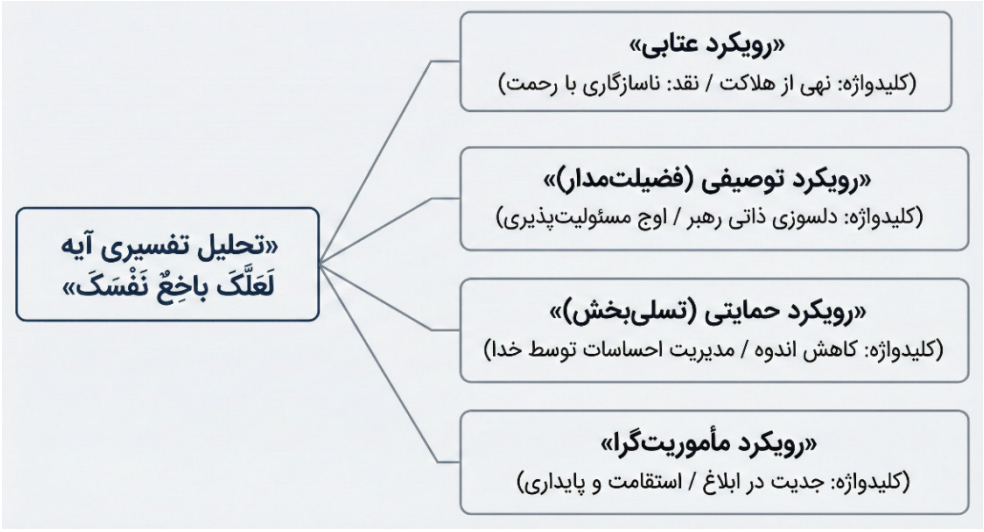
۶-۳-۲- انسـانی و زمینـی کـردن الگـوی رهـبری: ایـن دیـدگاه نشـان می‌دهـد، حتـی برتریـن رهـبران الهـی درگیـر احساسـات عمیـق انسـانی ماننـد انـدوه و ناامیـدی می‌شـوند. ایـن امـر الگـوی رهـبری پیامـبر(ص) را از یـک اسـطوره‌ی دسـت‌نیافتنی بـه یـک الگـوی قابـل هم‌ذات‌پنـداری بـرای همـه‌ی رهـبران تبدیـل می‌کنـد. یـک رهـبر عاطفـی نیـز گاهـی خسـته و دلسـرد می‌شـود و نیـاز بـه حمایـت دارد. تسـلی خاطـر الهـی الگـوی کاملـی از پشـتیبانی عاطفـی از رهـبر را بـه نمایـش می‌گـذارد.

۶-۳-۳- معرفـی خداونـد به‌عنـوان «منبـع آرامـشِ رهـبر»: ایـن تفسـیر نقـش خداونـد را به‌عنـوان حامـی و پناهـگاه عاطفـی پیامـبر(ص) برجسـته می‌کنـد. ایـن مفهـوم بـرای رهـبران امـروزی نیـز قابل‌تعمیـم اسـت؛ یعنـی یـک رهـبر عاطفـی بـرای آنکـه بتوانـد بـه دیگـران قـدرت و آرامـش ببخشـد، خـود بایـد از دسـتگاه حمایتـی نیرومنـدی (اعـم از باورهـای معنـوی، مشـاوران یـا جامعـه) برخـوردار باشـد. ایـن تسـلی خاطـر الهـی نشـان می‌دهـد، در الگـوی رهـبری عاطفـیِ مبتنـی بـر خدمـت و هدایـت، خـود رهـبر نیـز نیازمندترمیـم و تأمیـن عاطفـی اسـت تـا بتوانـد بـه شـکلی پایـدار بـه مسـیر خـود ادامـه دهـد.

۶-۳-۴- پررنـگ کـردن عنـصر «امیـد»: در کنـار تسـلی خاطـر می‌تـوان بـه عنـصر «امیـد» اشـاره کـرد.

خداونـد بـا بیـان اینکـه مجـازات و مکافـات بـه دسـت اوسـت، در حقیقـت، بـه پیامـبر(ص) امیـد می‌دهـد کـه نتیجـه‌ی نهایـی بـه دسـت توانـای اوسـت و بـار مسـئولیت به‌طـور کامـل بـر دوش پیامـبر(ص) نیسـت. ایـن نکتـه بـرای جلوگیـری از «فرسـودگی شـغلی» رهـبران امـروزی نیـز بسـیار آموزنـده اسـت.

بـر اسـاس ایـن، دیـدگاه سـوم یکـی از ظریف‌تریـن و انسـانی‌ترین خوانش‌هـا از آیـه اسـت. ایـن دیـدگاه نشـان می‌دهـد، قـرآن، کتابـی بـرای زندگـی واقعـی اسـت کـه حتـی بـه سـلامت عاطفـی بزرگ‌ترین رهـبر خـود نیـز توجـه دارد. بـه او یـادآوری می‌شـود کـه حـد و مـرز مسـئولیتش کجاسـت («**إِنَّـکَ لَا تَهْـدِی مَـنْ أَحْبَبْـتَ**»؛ قصـص: ۵۶). ایـن تسـلی او را بـرای ادامـه‌ی مسـیر توانمندتـر می‌سـازد.



تصویر شماره‌ی ۱. تحلیل تفسیری آیه

۶-۴- تأکید بر جدیت پیامبر اکرم(ص) نسبت به امر ابلاغ رسالت

یکـی از تعالیـم نبـوی مسـئله‌ی اسـتقامت و ایسـتادگی اسـت. خداونـد متعـال در سـوره‌ی هـود بـه پیامـبر(ص) می‌فرمایـد: «**فَاسْـتَقِمْ کَـمَا أُمِـرْتَ وَمَـنْ تَـابَ مَعَـکَ** (هـود: ۱۱۲)؛ پـس همان‌گونـه کـه فرمـان یافتـه‌ای، اسـتقامت کـن و همچنیـن کسـانی کـه بـا تـو به‌سـوی خـدا آمده‌انـد، بایـد اسـتقامت نماینـد.» روایتـی از پیامـبر(ص) نقل‌شـده اسـت کـه می‌فرماینـد، مـراد از «شَـیَّبَتْنِی هُـودُ» (ابن‌بابویـه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۹۹؛ حـر عاملـی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۷۲)، بخـش «**فَاسْـتَقِم کَـما أُمِـرتَ...**» (هـود: ۱۱۲) اسـت؛ بنابرایـن، پیغمـبر تنهـا مأمـور نیسـت کـه خـودش ایسـتادگی کنـد، بلکـه بایـد خیـل عظیـم مؤمنـان را هـم در همیـن راه بـه ایسـتادگی تشـویق و رهنمـود کنـد (خامنـه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۱).

تعلیـم اسـتقامت یکـی از گنجینه‌هایـی اسـت کـه در بعثـت وجـود دارد و راز و رمـز رسـیدن بـه مقصـود اسـت و می‌توانـد دنیـوی یـا اخـروی باشـد (هـمان، ۱۴۰۱/۱۱/۲۹). برخـی مفسـران بـر ایـن عقیـده

هستند که آیه‌ی شریفه به جدیت و استقامت و پایداری رسول بر تبلیغ امر رسالت اشاره دارد (امین، بی‌تا، ج ۸، ص ۶)؛ بنابراین، خداوند متعال به ایشان یادآور می‌شود که تو جز تبلیغ رسالت هیچ‌گونه مسئولیتی نداری؛ پس اکنون‌که رسالت خویش را تبلیغ کرده‌ای، آنان را به حال خودشان واگذار کن تا چون حیوانات بخورند و از مادیات و شهوت حیوانی کام روا شوند و آرزوهایشان ایشان را مشغول لهو و لعب نماید (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۱۰، ص ۲۲۳). از سویی، خداوند با بیان این مهم که مخالفت کفار نباید فکر و ذهن پیامبر(ص) را مشغول کند، امر به ابلاغ رسالت می‌نماید؛ زیرا هدایت از جانب اوست (سلمی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۰۱)؛ یعنی خودت را به خاطر آنان هلاک نکن، بلکه پیام خدا را به آنان برسان. هر که هدایت پیدا کند، به نفع خودش است و هر که گمراه شود، به ضرر خودش است (دروزه، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۳۱۵۲).

دیدگاه چهارم با تأکید بر «جدیت در ابلاغ رسالت»، مکمل ضروری و اصلاح‌کننده‌ی دیدگاه دوم (دلسوزی) و سوم (تسلی خاطر) است. این نگاه نشان می‌دهد، رهبری عاطفی پیامبر(ص) یک جریان نظام‌مند و هدفمند بوده است؛ عاطفه‌ای که در چارچوب یک «مأموریت سخت»(استقامت) تعریف می‌شود و به آن جهت می‌دهد. این دیدگاه از سه نظر تقویت‌کننده‌ی بحث است:

۶-۴-۱- تبدیل احساس به «عمل متعهدانه»: این تفسیر نشان می‌دهد، دلسوزی پیامبر(ص) (دیدگاه دوم)، او را به سوی عملی خستگی‌ناپذیر سوق داده بود تا جایی که نزدیک بود جان خود را بر سر این کار بگذارد؛ بنابراین، عاطفه در سیره‌ی نبوی یک نیروی محرکه برای اقدام است، نه یک حالت انفعالی. این دقیقاً نقطه‌ی تمایز رهبری عاطفی اصیل از احساساتی‌گری است. در اینجا لازم است، تمایز میان «رهبری عاطفی اصیل» و «احساسات‌گرایی» تبیین گردد تا الگوی نبوی دچار سوءبرداشت نشود؛ زیرا در چند ساحت تفاوت‌های اساسی دارند:

منبع و ریشه: احساساتی‌گری در هیجانات زودگذر، واکنش‌های آنی و حالات روانیِ ناپایدار ریشه دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۷)؛ اما رهبری عاطفی نبوی از «رحمت للعالمین» و صفات الهی نشئت می‌گیرد و یک «حقیقت وجودی» است، نه یک حالت عارضی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۲۷).

همراهی با عقلانیت: در احساساتی‌گری، عقل تعطیل یا تضعیف می‌شود و تصمیم‌گیری صرفاً بر مبنای «احساس لحظه‌ای» صورت می‌گیرد؛ اما در رهبری عاطفی نبوی، عاطفه در چارچوب «حکمت» و «عقلانیت» تعریف می‌گردد (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۷۷). مشورت‌های پیامبر(ص) و پذیرش رأی جمع نمونه‌ی بارز این همراهی است (همان، ج ۳، ص ۱۴۳).

جهت‌گیری و استمرار: احساساتی‌گری معمولاً خودمحور است و به تخلیه‌ی هیجانی فرد منجر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۷)، درحالی‌که رهبری عاطفی نبوی «دیگرمحور» است و در مسیر «هدایت» و «کمال» پیروان قرار دارد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۶۰۱)؛ همچنین احساساتی‌گری موقتی و زودگذر است؛ اما عاطفه‌ی نبوی یک جریان مستمر و پایدار دوره‌ی رسالت و پیش از آن بود که منشأ تحول تاریخی گردید؛ بنابراین، الگوی نبوی «عاطفه‌محوری» را در چارچوب «حکمت‌مداری»

و خرد جمعی تعریف می‌کند و از آسیب احساساتی‌گری مبرا است.

۶-۴-۲- تعریف مرزهای سالم رهبری عاطفی و جلوگیری از فشار عاطفی سنگین: تسلی خاطر الهی (دیدگاه سوم) در اینجا شکل عملی به خود می‌گیرد. خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید: «تو تنها مسئول ابلاغ هستی، نه نتیجه‌گیری.» این پیام یک اصل حیاتی برای مدیریت عاطفی همه‌ی رهبران است؛ یعنی نخست، مسئولیت‌پذیر است و دوم، همه‌ی تلاش خود را می‌کند؛ اما نتایج را به عوامل بیرونی (اراده‌ی مردم، قضا و قدر الهی) واگذار می‌کند. این نگاه از فرسودگی شغلی[1] جلوگیری می‌کند که از بزرگ‌ترین آفات رهبران پرشور است. رهبر می‌آموزد که چگونه عمیقاً دلسوز باشد؛ اما درعین‌حال، خود را به علت شکست‌های اجتناب‌ناپذیر ویران نکند.

۶-۴-۳- تأکید بر رهبری تحول‌آفرین:[2] استقامت در رسالت و تلاش برای هدایت جامعه همان چیزی است که در ادبیات مدیریت، «رهبری تحول‌آفرین» نامیده می‌شود. رهبر تحول‌آفرین آرمان‌هایی فراتر از منافع فردی ارائه می‌دهد و پیروان را برای رسیدن به آن آرمان‌ها برمی‌انگیزد. استقامت پیامبر(ص) در این مسیر نمونه‌ی اعلای چنین رهبری است.

۶-۵- تلفیق دیدگاه دوم، سوم و چهارم در یک چارچوب منسجم (چرخه‌ی رهبری عاطفی):

۶-۵-۱- حساسیت و همدلی (دیدگاه دوم): رهبر نسبت به وضعیت پیروان و مخالفان خود، حساسیت و دلسوزی عمیقی دارد.

۶-۵-۲- فشار عاطفی سنگین: این دلسوزی شدید در مواردی به فشار روانی-عاطفی رهبر منجر می‌شود (بخع نفس).

۶-۵-۳- تسلی و تقویت (دیدگاه سوم): رهبر از سوی منبع متعالی یا دستگاه حمایتی خود مورد تسلی و تقویت قرار می‌گیرد تا توانایی ادامه‌ی مسیر را بیابد.

۶-۵-۴- تداوم خدمت (دیدگاه چهارم): رهبر با انرژی تازه، به رسالت رهبری و خدمتگزاری خود ادامه می‌دهد. این دلسوزی در قالب یک پایداری و استقامت فعال در مسیر ابلاغ پیام و انجام مأموریت متبلور می‌شود. رهبر مسئولیت عمل خود را به‌طور کامل می‌پذیرد.

1- Burnout

2- Transformational Leadership.



تصویر شماره‌ی ۲. الگوی چرخه‌ی رهبری عاطفی

غالب تحلیل دیدگاه‌های مفسران از آیه‌ی «**لَعَلَّکَ بَاخِعٌ نَفْسَکَ**»، نه‌تنها تعارضی با یکدیگر ندارند، بلکه اجزای یک الگوی جامع رهبری عاطفی را تشکیل می‌دهند. در این الگو، دلسوزی (دیدگاه دوم) به‌عنوان نیروی محرکه، در قالب استقامت (دیدگاه چهارم) متجلی می‌شود و در مواجهه با فشارهای ناگزیر، با تسلی و حمایت الهی (دیدگاه سوم) تقویت می‌گردد. این چرخه‌ی پویا رهبری عاطفی نبوی را از یک احساس‌گرایی به یک مدیریت هوشمندانه و پایدار احساسات در مسیر یک مأموریت بزرگ ارتقا می‌دهد. خوانش عتاب‌آمیز (دیدگاه اول) نیز، در پرتو این الگوی یکپارچه، به‌عنوان تأکیدی بر همان «حدود سالم» در رهبری عاطفی قابل بازتعریف است.

جدول شماره‌ی ۲. تحلیل دیدگاه‌های مفسران درباره‌ی آیه‌ی «لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک»

ردیف	دیدگاه	توضیح
۱	عتاب الهی به پیامبر(ص) به علت نگرانی شدید برای هدایت مردم	خداوند پیامبر(ص) را به سبب غم و اندوه بیش‌ازحد برای هدایت مردم مورد خطاب قرار می‌دهد.
۲	دلسوزی و شفقت پیامبر(ص) به‌عنوان ویژگی ذاتی رهبران الهی	پیامبر(ص) به‌عنوان الگوی رهبری عاطفی، دلسوزی و همدردی عمیقی با مردم داشتند.
۳	تسلی خاطر پیامبر(ص) از سوی خداوند	خداوند با این آیه به پیامبر(ص) تسلی می‌دهد و او را از اندوه بیش‌ازحد بر حذر می‌دارد.
۴	تأکید بر جدیت پیامبر(ص) در ابلاغ رسالت	آیه نشان‌دهنده‌ی استقامت و پایداری پیامبر(ص) در تبلیغ رسالت است، حتی در برابر مخالفان.

۷- رهبری عاطفی در ترازوی نقد

در کنار تأکید بر نقاط قوت رهبری عاطفی، شایسته است این مفهوم در ترازوی نقد نیز سنجیده شود. انتقاداتی به این سبک رهبری واردشده است که آگاهی از آن‌ها الگوی برگرفته از سیره‌ی نبوی را غنی‌تر و کاربردی‌تر می‌سازد.

۷-۱- خطر عاطفه‌زدگی و تضعیف عقلانیت

پژوهشگرانی چون «آنتونیو داماسیو»[1] بر نقش احساسات در تصمیم‌گیری تأکید دارند (داماسیو، ۱۹۹۴، ص ۱۷۱-۱۸۳)؛ اما هشدار می‌دهند که غلبه‌ی افراطی عواطف می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و غیرعقلانی منجر شود. در مقابل، رهبری عاطفی پیامبر(ص) هرگز به معنای واگذاری عقلانیت به احساسات نبود. مشورت ایشان در جنگ احد و پذیرش نظر اکثریت برخلاف رأی شخصی خویش (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲ ص ۵۰۲ و ۵۰۴؛ ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۳، ص ۶۷؛ واقدی، ۱۴۰۴، ج ۱ ص ۲۰۹؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۹ ص ۲۴۸)، نمونه‌ی بارزی از «ترکیب عاطفه با عقلانیت جمعی»[2] است؛ بنابراین، الگوی نبوی «عاطفه‌محوری» را در چارچوب «حکمت‌مداری» تعریف می‌کند.

۷-۲- امکان سوءاستفاده‌ی عاطفی و ایجاد روابط احساسیِ وابسته‌ساز

بر اساس نظریه‌ی «تحلیل تبادلی» اریک برن،[3] روابط عاطفی می‌تواند به‌صورت ناسالم و در قالب «بازی‌های روانی» درآید، به‌گونه‌ای که رهبر با ایجاد احساس دین یا وابستگی، پیروان را در

1- António Damásio

۲- «عقلانیت جمعی» در جامعه‌شناسی به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن، تصمیم‌گیری از مجرای خرد جمعی و تعامل اجتماعی گذر می‌کند و حاصلِ تبادل‌نظر، مشورت و اجماع گروهی است. این مفهوم در مقابل عقلانیت فردی یا عقلانیت ابزاری صرف قرار می‌گیرد و بر خرد حاصل از دیالوگ و مشارکت تأکید دارد.

3- Eric Berne

وضعیتی انفعالی نگه دارد (برن، ۱۹۶۴، ص ۴۴-۶۰). سیره‌ی پیامبر(ص) قوی‌ترین پاسخ برای این نقد است. عاطفه‌ی ایشان همواره با «تکریم شخصیت» و «توانمندسازی» افراد همراه بود، چنان‌که به یارانش می‌فرمود: «کُلُّکُم راعٍ وَ کُلُّکُم مَسؤولٌ عَن رَعِیَّتِه» (ورام‌بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶). این جمله نه وابستگی که مسئولیت‌پذیری و عاملیت را به دنبال داشت.

۷-۳- کارایی نداشتن در شرایط بحرانی و نیازمند تصمیم‌گیری فوری

برخی منتقدان استدلال می‌کنند، در شرایط بحران، سبک‌های رهبری قاطع‌گرا و دستوری کارآمدتر از رهبری عاطفی است. در پاسخ باید گفت، رهبری عاطفی پیامبر(ص) یک «سبک منعطف و موقعیت‌محور» بود. ایشان در مواجهه با نقض پیمان بنی‌قریظه (واقدی، ۱۴۰۴، ج ۲ ص ۴۵۶)، با قاطعیت کامل و مطابق با موازین عقلانی و عادلانه عمل کردند. این نشان می‌دهد، رهبری عاطفی اصیل با «قاطعیت مبتنی بر اصول» در تضاد نیست، بلکه آن را در مواقع لازم طلب می‌کند.

۷-۴ وابستگی به شخصیت رهبر و عدم قابلیت نهادینه‌سازی

اشکال دیگر شخصی بودن و دشواری نهادینه کردن آن در یک دستگاه است. الگوی پیامبر(ص) از این دیدگاه نیز راهگشاست؛ زیرا عاطفه‌ی ایشان در قالب «ارزش‌ها و منش‌های جاودانه» (مانند رأفت، رحمت و عدالت) تبلور یافت و در جامعه‌ی اسلامی نهادینه شد. این امر نشان می‌دهد، رهبری عاطفی را می‌توان از سطح «رفتار یک فرد» به سطح «فرهنگ عمومی و اجتماعی» ارتقا داد.

جدول شماره‌ی ۵. رهبری عاطفی در ترازوی نقد

چالش/نقد وارده (دیدگاه غربی/سکولار)	پاسخ در الگوی نبوی (رهبری عاطفی دینی)	شاهد قرآنی/روایی
خطر عاطفه‌زدگی و تصمیم غیرعقلانی	تلفیق عاطفه با مشورت و عقلانیت جمعی	ماجرای جنگ احد / آیه «شَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ» (آل‌عمران، ۱۵۹)
فرسودگی شغلی و فشار روانی مضاعف	مدیریت احساسات با تکیه بر تسلی و پشتیبانی الهی	آیه «لَعَلَّکَ باخِعٌ نَفْسَکَ.....» (شعراء، ۳) و نیایش‌های شبانه
نشانه‌ی ضعف و عدم قاطعیت در اجرا	رحمت به عنوان قدرت نرم؛ قاطعیت در اصول، نرمش در برخورد	آیه «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللهِ لِنْتَ لَهُمْ...» (آل‌عمران، ۱۵۹) و ایستادگی بر ایستادگی بر حق
ایجاد تبعیض یا جانبداری بر اساس احساسات	دلسوزی و حساسیت فراگیر برای همه انسان‌ها، عدالت‌محوری	آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاکَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِینَ» (انبیاء، ۱۰۷)

۸- تحلیل یافته‌ها

واکاوی نقدهای وارد بر رهبری عاطفی نشان می‌دهد، الگوی مترقی پیامبر رحمت(ص) نه‌تنها در دام این آفات گرفتار نیامد، بلکه با ارائه‌ی قرائتی «متعادل، حکیمانه و نهادپذیر»، پاسخی الگویی به این دغدغه‌ها ارائه می‌کند؛ بنابراین، رهبری عاطفی در سیره‌ی نبوی، «تکنیک مدیریت احساسات» نیست، بلکه «سبک زندگی رهبری» است که عاطفه را در خدمت کرامت، عقلانیت و مسئولیت‌پذیری قرار می‌دهد. جریان رهبری به‌عنوان یک فرایند نفوذ اجتماعی تعریف می‌شود که از طریق آن، رهبر بر طرز فکر، برداشت‌ها و رفتار پیروان خود تأثیر می‌گذارد (میندگویا و همکاران، ۲۰۲۱).

امروز نیاز به رهبران برخوردار از هوش عاطفی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. این رهبران اغلب فروتن، همدل و دارای تعامل و حضور پررنگ‌تر در میان دیگران هستند. آنان بیشتر از آنکه سخن بگویند، به شنیدن و درک دیدگاه‌های دیگران می‌پردازند، به افراد ارزش می‌دهند و آنان را تشویق و ترغیب می‌کنند و در ابراز احساسات خود راحت هستند. مراقبت و توجه به دیگران، بینش منحصربه‌فرد، اعتمادبه‌نفس، خودآگاهی و سطح بالای خودمدیریتی عاطفی ازجمله ویژگی‌های بارز آنان به‌شمار می‌رود (باورز و همکاران، ۲۰۱۷). درواقع، مدیران موفق بر توسعه و تقویت قابلیت‌های عاطفی تأکید دارند و این امر اهمیت رهبری عاطفی و کاربرد آن را در مجموعه‌ها نشان می‌دهد (ملازمیان و همکاران، ۱۳۹۱). بر اساس این، رهبری عاطفی عبارت است از مدیریت مبتنی بر عواطف، احساسات و هیجانات، به‌گونه‌ای که به همه‌ی ابعاد وجودی انسان توجه کند و انسان را قلب جامعه و عنصر اصلی آن در نظر بگیرد (کیخا، ۱۳۹۶).

پیامبر اسلام(ص) به‌عنوان یک رهبر الهی و الگوی کامل بشریت، از سبک رهبری عاطفی خاصی

برخوردار بودند که توانستند دل‌ها را به خود جلب کنند و جامعه‌ای متحد و پویا شکل دهند؛ بنابراین، مبتنی بر قواعد و معیارهای قرآنی، به برخی از جنبه‌های رهبری عاطفی ایشان اشاره می‌کنیم:

۸-۱- اول. الگوی مهرورزیِ تمام‌ساحتی

رفتار پیامبر(ص) با بزرگ و کوچک، دوست و دشمن، بی‌سواد و عالِم باعث می‌شد، افراد به‌راحتی با ایشان ارتباط برقرار کنند و از ایشان الگو بگیرند. همدلی و همراهی با یاران در شرایط دشوار از ویژگی‌های بارز پیامبر اکرم(ص) بود؛ برای نمونه می‌توان به شرکت ایشان در مراسم تشییع‌جنازه‌ی مسلمانان اشاره کرد که آن را وظیفه‌ای بر خود می‌دانستند و یا حتی برای عیادت بیماران، به دورترین نقاط مدینه می‌رفتند (طبرسی،۱۳۷۰، ص ۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۲۸). امام علی(ع) دراین‌درباره می‌فرمایند: «پیامبر خدا(ص) هرگاه یکی از یاران خود را سه روز نمی‌دید، از او جویا می‌شد. اگر غایب بود، برایش دعا می‌کرد و اگر حاضر بود، به دیدارش می‌رفت و اگر بیمار بود، به عیادتش می‌پرداخت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۳۳).

از سوی دیگر، همواره با لبخند و تبسم، خشنودی خود را از دیدار یارانش ابراز می‌کرد. این تبسم دائمی ایشان را به‌عنوان فردی خوش‌رو و متبسم در اذهان ثبت کرده بود؛ به‌عنوان نمونه، جریربن‌عبدالله روایت می‌کند: از زمانی که به اسلام مشرف شدم، هیچ‌گاه رسول خدا(ص) را ندیدم، مگر آنکه با تبسم به چهره‌ام نگاه می‌کرد (ورام‌بن أبی‌فراس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۰). این رفتار پیامبر(ص) نه‌تنها نشان از حسن خلق و مهربانی ایشان داشت، بلکه بیان‌کننده‌ی اهمیت ارتباط عاطفی با پیروان و یاران نیز بود.

۸-۲- دوم. الگوی گسترش رحمت جهانی (تقابل با جریان‌های درون دینی، تبعیضی و نژادی)

از نظر جامعه‌شناختی، محبت نیرویی قدرتمند و دگرگون‌کننده است. جامعه‌ی ایدئال جامعه‌ای است که توسط عاطفه و محبت اداره می‌شود؛ زیرا شفقت و مهربانی به‌عنوان نیروی محرکه، برای ثبات و تداوم حیات حکومت عمل می‌کند، چنان‌که بدون این عنصر، مدیریت اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای دشوار و پیچیده می‌شود (مطهری، ۱۴۰۲، ص ۶۲). پیامبر اکرم(ص) در امور رهبری، بیش از هر چیز دیگری، از عاطفه و محبت بهره می‌بردند. خداوند نیز ایشان را با این ویژگی معرفی کرده است: «وَ ما اَرْسَلْناکَ اِلاَّ رَحْمَةً لِلْعالَمین» (انبیاء: ۱۰۷). آن حضرت به‌سبب دریافت رحمت وسیع و کامل از جانب خداوند، به کمال رسیده بودند و در مدیریت خود از محبت، مدارا و ملایمت به‌خوبی بهره بردند و اگر چنین نبود، آن شیوه‌ی مطلوب مدیریت، آن‌هم در جامعه‌ی جاهلی جزیره العرب حاصل نمی‌شد.

این بدان معنی است که ایشان به‌سوی همه‌ی جماعت‌های بشری فرستاده‌شده است و علت رحمت بودن برای همه‌ی اهل دنیا آن است که دین او موجب تأمین سعادت در دنیا و آخرت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۶۷)؛ بنابراین، با بیان «فَبِما **رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ**

لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (آل‌عمران: ۱۵۳)؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنان را ببخش و برای آنان آمرزش بطلب و در کارها، با آنان مشورت کن»، جرعه‌ای از اقیانوس بیکران رحمت به تصویر کشیده شده است؛ زیرا این مهربانی را هم پرتویی از رحمت خود اعلام کرده است.

جدول شماره‌ی ۴. مؤلفه‌های رهبری عاطفی در سیره‌ی پیامبر(ص)

مؤلفه	نمونه‌های رفتاری پیامبر(ص)	آیات مرتبط
همدلی و مهربانی	عیادت بیماران، شرکت در تشییع‌جنازه، تبسم مستمر در مواجهه با یاران	«**بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ**» (توبه: ۱۲۸).
رحمت جهانی	رفتار عطوفت‌آمیز با مخالفان و تأکید بر رحمت برای همه‌ی جهانیان	«**وَما أَرْسَلْناک إِلّا رَحْمَةً لِلْعالَمِينَ**» (انبیاء: ۱۰۷).
استقامت در رسالت	پایداری در تبلیغ دین علی‌رغم مقاومت مخالفان	«**فَاسْتَقِمْ كما أُمِرْتَ**» (هود: ۱۱۲).
تسلی‌بخشی	پذیرش تسلیت الهی و انتقال آرامش به پیروان در شرایط دشوار	«**لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک أَلَّا يكونُوا مُؤْمِنِينَ**» (شعراء: ۳). «**فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُک عَلَيهِمْ حَسَرَاتٍ**» (فاطر: ۸).

۹- نتیجه‌گیری

پس از تحلیل معناشناختی آیه‌ی «**لَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک**» و بررسی دیدگاه‌های مفسران، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رهبری عاطفی پیامبر اکرم(ص) بر پایه‌ای از همدلی عمیق، مسئولیت‌پذیری فراتر از حد متعارف، استقامت در رسالت و دریافت حمایت عاطفی استوار بوده است. این یافته‌ها از یک‌سو با پژوهش‌های متقدم در حوزه‌ی سیره‌ی نبوی همسویی دارد و از سوی دیگر، افق‌های جدیدی را در تقاطع مطالعات دینی و مدیریت معاصر می‌گشاید. در مقایسه با پژوهش‌های پیشین در حوزه‌ی سیره‌ی اجتماعی پیامبر(ص) که بر جلوه‌های کلی مهربانی و رحمت پیامبر(ص) تأکید داشته‌اند، تمایز و افزوده‌ی پژوهش، «تحلیل گفتمان قرآن‌محور» و ارائه‌ی «الگویی نظام‌مند» از رهبری عاطفی است. این پژوهش با تشریح مؤلفه‌هایی مانند «باخع نفس» به‌عنوان عالی‌ترین درجه‌ی مسئولیت‌پذیری عاطفی نشان می‌دهد که عاطفه در سیره‌ی نبوی امری تصادفی یا حاشیه‌ای نبوده، بلکه جزئی ساختاری و محرک اصلی در فرایند رهبری ایشان بوده است.

از دیدگاه مطالعات مدیریتی، یافته‌های نظریه‌پردازان رهبری تحول‌آفرین و رهبری خدمتگزار ازجمله «باورز و همکاران» و «لامبرگر» را غنا می‌بخشد. این نظریه‌ها بر اهمیت همدلی، انگیزش اخلاقی و خدمت به پیروان تأکید می‌کنند؛ اما الگوی مستخرج از این مقاله، با محوریت «ایثار عاطفی» تا سرحد جان (باخع نفس)، عمق و شدتی را نشان می‌دهد که در الگوهای متعارف

مدیریتی غربی کمتر بدان پرداخته‌شده است؛ به بیان دیگر، پژوهش نشان می‌دهد، رهبری عاطفی در سیره‌ی نبوی فراتر از یک «مهارت» قابل‌آموزش، یک «حقیقت وجودی» و «صبغه الهی» (رحمت للعالمین) است. بازتعریف مفهوم «عتاب» در دیدگاه مفسران یکی از دستاوردهای مهم پژوهش است. این پژوهش نشان می‌دهد، حتی اگر تعبیر «عتاب» را برای آیه‌ی شریفه بپذیریم، ماهیت آن نه یک سرزنش قهرآمیز، بلکه از جنس «عتاب مشفقانه» و هشداری دلسوزانه است. خداوند متعال با این هشدار محبت‌آمیز، در مقام حامی و پناهگاه عاطفی پیامبر رحمت(ص) ظاهر می‌شود و ایشان را از فشار عاطفی‌ای بر حذر می‌دارد که ممکن است سلامت وجودی‌شان را به خطر اندازد. توجه به این نکته ضروری است که این عمق عاطفه نه‌تنها با عقلانیت در تضاد نیست، بلکه در پیوند با آن، رهبری نبوی را از ورطه‌ی «احساساتی‌گریِ» زودگذر و بی‌ثمر متمایز می‌سازد. این خوانش ضمن حفظ عصمت و جایگاه رفیع پیامبر(ص)، الگویی متعالی از حمایت سیستمی از رهبر را به نمایش می‌گذارد؛ همچنین در مقایسه با آثار معناشناسی لغوی و تفسیری آیه، پیوند زدن این مفهوم با نظریه‌ی رهبری عاطفی هم به درک قرآن عمق بخشیده و هم ادبیات مدیریت را با بینشی الهیاتی تقویت کرده است.

در پایان می‌توان جمع‌بندی نمود که الگوی یکپارچه‌ی «چرخه‌ی رهبری عاطفی نبوی» متشکل از دلسوزی، عمل جهادی، فشار ثقیل عاطفی و تسلی الهی، علاوه بر ارائه‌ی چهارچوب تحلیلی برای فهم بهتر سیره‌ی نبوی، الگویی کاربردی و آسیب‌شناسانه برای رهبران معاصر است تا در عین برخورداری از عواطف انسانی، از «فشار روانی-عاطفی» جلوگیری کند و مسئولیت خود را در قبال «نتیجه‌ی کار» به نظام حکیمانه‌ی الهی واگذار نمایند. آزمون تجربی این الگو در سازمان‌های مختلف می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های آتی باشد.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی؛ قم: امام علی بن ابی‌طالب، ۱۳۸۹ ش.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی؛ الخصال؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
- ابن‌هشام، أبومحمد عبدالملک؛ السیرة النبویة (السیرة النبویة لابن هشام)؛ تحقیق: مصطفی السقّا، إبراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شبلی؛ قم: مکتبة المصطفی، بی‌تا.
- ابن‌عاشور، محمدطاهر؛ التحریر و التنویر من التفسیر (إبن‌عاشور)؛ بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ابن‌فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین‌بن‌علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.
- افجه‌ای و همکاران؛ «طراحی الگوی رهبری اثربخش سازمانی به استناد سیره‌ی پیامبر اسلام(ص)»؛ مطالعات راهبردی بسیج، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۶۴، ۱۳۹۴ ش.
- امین، نصرت بیگم؛ مخزن العرفان در تفسیر قرآن؛ اصفهان: انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان، بی‌تا.
- بروجردی، محمدابراهیم؛ تفسیر جامع؛ تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۶۶ ش.
- بیضاوی، عبدالله‌بن‌عمر؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل؛ لبنان: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- ثقفی تهرانی، محمد؛ روان جاوید در تفسیر قرآن مجید؛ چاپ دوم، تهران: برهان، بی‌تا.
- جعفری، یعقوب؛ تفسیر کوثر؛ چاپ سوم، قم: هجرت، ۱۳۷۶ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم؛ قم: اسراء، ۱۳۹۶ ش.
- جوهری، اسماعیل‌بن‌حماد؛ الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)؛ چاپ سوم، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ ق.
- حر عاملی، محمدبن‌حسن؛ وسائل‌الشیعه؛ قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی همدانی، محمد؛ انوار درخشان در تفسیر قرآن؛ تهران: لطفی، ۱۳۸۰ ق.
- حمیری، نشوان‌بن‌سعید؛ شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم؛ دمشق: دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
- حوی، سعید؛ الأساس فی التفسیر؛ چاپ ششم، قاهره: دار السلام، ۱۴۲۴ ق.
- حویزی، عبدعلی‌بن‌جمعه؛ نور الثقلین؛ چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- خامنه‌ای، سید علی؛ طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن؛ چاپ بیست‌ونهم، قم: مؤسسه ایمان جهادی، ۱۴۰۰ ش.
- خسروانی، علیرضا؛ تفسیر خسروی؛ تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
- دروزه، محمد عزه؛ تفسیر الحدیث؛ چاپ دوم، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد؛ ترجمه و تحقیق: مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن؛ ترجمه‌ی غلامرضا خسروی حسینی؛ چاپ دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.

• راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت: دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
• رحیم‌پور ازغدی، حسن؛ امت اسلامی؛ تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
• رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ تفسیر قرآن مهر؛ قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
• ـــــــــــــــ؛ سیمای سوره‌های قرآن؛ قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۹ ش.
• ری‌شهری، محمد محمدی؛ سیره‌ی پیامبر خاتم(ص)؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۹۴ ش.
• زحیلی، وهبه؛ تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج؛ چاپ دوم، بیروت: دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
• زمخشری، محمودبن‌عمر؛ الکشاف؛ بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
• سلطان علی‌شاه، محمدبن‌حیدر؛ بیان السعادة فی مقامات العباده؛ چاپ دوم، لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ش.
• سلمی، محمدبن‌حسین؛ حقائق التفسیر؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
• سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی؛ فی ظلال القرآن؛ ترجمه‌ی مصطفی خرم‌دل؛ چاپ دوم، تهران: احسان، ۱۳۸۷ ش.
• ـــــــــــــــ؛ فی ظلال القرآن؛ چاپ پانزدهم، بیروت: دار الشروق، ۱۴۰۸ ق.
• صابونی، محمد علی؛ صفوه التفاسیر؛ ترجمه‌ی محمدطاهر حسینی؛ تهران: احسان، ۱۳۸۳ ش.
• ـــــــــــــــ؛ صفوه التفاسیر؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۱ ق.
• صاحب‌بن‌عباد، اسماعیل‌بن‌عباد؛ المحیط فی اللغة؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.
• طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ سوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۵۲ ش.
• ـــــــــــــــ؛ ترجمه‌ی تفسیر المیزان؛ چاپ یازدهم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
• طبرسی، حسن‌بن‌فضل؛ مکارم الأخلاق؛ چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
• طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ ترجمه‌ی تفسیر مجمع البیان؛ تهران: فراهانی، بی‌تا.
• ـــــــــــــــ؛ مجمع البیان؛ چاپ دوم، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۸ ق.
• طبری، أبوجعفر محمدبن‌جریر؛ تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ الطبری)؛ تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم؛ القاهرة: دار المعارف، ۱۳۸۷ ق.
• طریحی، فخرالدین‌بن محمد؛ مجمع‌البحرین؛ چاپ سوم، تهران: مکتبة المرتضویه، ۱۳۷۵ ش.
• عیسی، مسعودبن ورام‌بن أبی فراس؛ مجموعة ورام؛ قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.
• غضنفری، علی؛ زارعی بلوط بنگان، مصطفی؛ «رحمة للعالمین بودن پیامبر(ص) در قرآن از نگاه تفاسیر فریقین»؛ مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۴۱، ۱۳۹۴ ش.
• فخر رازی، محمدبن‌عمر؛ تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)؛ چاپ سوم، لبنان: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
• فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد؛ العین؛ چاپ دوم، قم: مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق.
• فضل‌الله، محمدحسین؛ تفسیر من وحی القرآن؛ چاپ سوم، بیروت: دار الملاک للطباعة و النشر و

التوزیـع، ۱۴۳۹ ق
• فیروزآبادی، محمدبن‌یعقوب؛ قاموس المحیط؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
• فیـروزی، نعمت‌اللـه؛ خانـی زارع، زهـرا؛ «تحلیـل معنایی-روان‌شـناختی عبـارت ضیـق صـدر در قـرآن کریـم و کاربردهـای تربیتی-اجتماعـی آن»؛ مطالعـات بین‌رشـته‌ای قـرآن کریـم، دوره‌ی ۳، شـماره‌ی ۲، ۱۴۰۳ ش.
• قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
• قرشی، علی‌اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث؛ چاپ ششم، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
• قرشی، علی‌اکبر؛ قاموس قرآن؛ چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
• قمی، علی‌بن‌ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
• کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
• کیخـا، عالمـه؛ «شناسـایی مؤلفه‌هـای رهـبری هوشـمند بـرای دانشـگاه‌ها»؛ پژوهش‌هـای رهـبری آموزشـی، دوره‌ی ۴، شـماره‌ی ۱۳، ۱۳۹۶ ش. doi: ۱۰,۲۲۰۵۴: jrlat.۱۳۴۰,۲۷۵۸۴,۲۰۱۸
• مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
• مدرسـی، محمدتقـی؛ تفسـیر هدایـت؛ ترجمـه‌ی احمـد آرام؛ مشـهد: بنیـاد پژوهش‌هـای اسـلامی آسـتان قـدس رضـوی، ۱۳۷۷ ش.
• مدرسی، محمدتقی؛ من هدی القرآن؛ تهران: دار محبی الحسین علیه‌السلام، ۱۴۱۹ ق.
• مراغی، احمد مصطفی؛ تفسیر المراغی؛ بیروت: دار الفکر، بی‌تا.
• مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
• مطهری، مرتضی؛ جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام؛ تهران: صدرا، ۱۴۰۲ ش.
• مغنیه، محمدجواد؛ تفسیر الکاشف؛ ایران: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ ق.
• مغنیه، محمدجواد؛ تفسیر کاشف؛ ترجمه‌ی موسی دانش؛ چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
• مقریـری، تقی‌الدیـن أحمدبـن علی‌بـن عبدالقادربـن محمـد؛ إمتـاع الأسـماع بمـا للنبـی صلی‌الله‌علیه‌وآلـه مـن الأحـوال و الأمـوال والحفـدة والمتـاع؛ تحقیـق: محمـد عبدالحمیـد النمیسـی؛ بیـروت: دار الکتـب العلمیـة، ۱۴۲۰ ق.
• مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چاپ سی‌ودوم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
• ملازمیـان، محمدحسـین و همـکاران؛ «رابطـه‌ی بیـن هـوش عاطفـی مدیـران پرسـتاری بـا سـبک رهـبری تحـول آفریـن آنـان»؛ مدیریـت پرسـتاری، دوره‌ی ۱، شـماره‌ی ۲، ۱۳۹۱ ش.. fa.html-۶۸-۱-http: ijnv.ir: article
• نجفی، محمدجواد؛ تفسیر آسان؛ تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه، ۱۳۹۸ ش.
• واقدی، محمدبن‌عمر؛ کتاب المغازی (المغازی)؛ تحقیق: مارسدن جونس؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۴ ق.
• Al Naqbi, S. (2024). The Islamic Perspective on Qualities Required for Effective Leadership. Journal of the Contemporary Study of Islam.
• Berne, Eric (1964). Games People Play: The Psychology of Human Relationships. New York: Grove Press.
• Bowers, H., Lemberger, M. E., & Brigman, G. (2017). A Social-Emotional Leadership Framework

for School Counselors. Professional School Counseling, 21(1), 1- 10.
- Damasio, Antonio R. (1994). Descartes' Error: Emotion, Reason, and the Human Brain. New York: G.P. Putnam's Sons.
- Goleman, D. (1998). Working with Emotional Intelligence. New York: Bantam Books.
- Mindeguia, R., Aritzeta, A., Garmendia, A., Martinez-Moreno, E., Elorza, U., & Soroa, G. (2021). Team Emotional Intelligence: Emotional Processes as a Link between Managers and Workers. Frontiers in Psychology, 12(619999): 1- 11.

پایگاه‌ها و نرم‌افزارها

- پایگاه جامع قرآنی نور. quran.inoor.ir: fa :https:: : :
- پایگاه کتابخانه‌ی مدرسه‌ی فقاهت. lib.eshia.ir : :https:
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی). farsi.khamenei.ir : :https:
- نرم‌افزار جامع الاحادیث، نسخه‌ی ۳، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- نرم‌افزار جامع التفاسیر نور، نسخه‌ی ۴، مرکز تحقیقات نور.
- نرم‌افزار حدیث ولایت، نسخه‌ی ۳، مرکز تحقیقات نور.
- نرم‌افزار دانشنامه‌ی علوم قرآن (مشکاة الأنوار)، نسخه‌ی ۲، مرکز تحقیقات نور.
- نرم‌افزار قاموس نور (فرهنگ واژگان عربی و فارسی)، نسخه‌ی ۳، مرکز تحقیقات نور.